



تجربه زیسته مادران از آموزش مجازی فرزندان در دوران قرنطینه کرونایی (مطالعه‌ای پدیدارشناسانه)

مهسا کریمی* ۱

عطیه رضایی فرح‌آباد**

فاطمه حامی کارگر***

چکیده

با شیوع کرونا و تبدیل آموزش حضوری به آموزش مجازی، آموزش دانش‌آموزان به‌ویژه در سن نوجوانی با چالش‌هایی برای والدین همراه بود. هدف پژوهش حاضر، فهم تجربه زیسته مادران و ابعاد و معانی پیوسته به آن درباره آموزش مجازی در دوران قرنطینه کرونا است. روش تحقیق، پدیدارشناسی توصیفی است بدین منظور، از بین مادران تهرانی با روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۵ نفر که حداقل یک فرزند مدرسه‌ای ۱۱ تا ۱۵ سال داشتند انتخاب و داده‌ها با روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد و این کار تا زمان دستیابی محقق به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری و مشخص شدن مقوله‌های اصلی و فرعی با استفاده از روش کلایزی انجام شد. یافته‌های پژوهش درباره نگرانی‌ها و دغدغه‌های مادران شامل ۴ مضمون اصلی و ۹ مقوله فرعی به ترتیب: آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان (آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در فضای مجازی، رشد فرهنگ مصرف‌گرایی در دانش‌آموزان و اختلال در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان)، مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان (اختلالات جسمی و آسیب‌های روانی)، ناکارآمدی آموزش مجازی (محقق نشدن

* دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران، karimimahsa189@gmail.com

** دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان. کاشان.

ایران Atiyerezayi.1369@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان. کاشان. ایران fhk144@gmail.com

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: عطیه رضایی فرح‌آباد

کامل امر آموزش و نبود زیرساخت جهت آموزش مجازی) و مزایای ادراک‌شده آموزش مجازی (فرصت‌های آموزش مجازی و افزایش توان‌مندی دانش‌آموزان در فضای مجازی) است.

واژگان کلیدی:

آموزش مجازی، کرونا، پدیدارشناسی، مادر، فرزند.

مقدمه

پس از همه‌گیر شدن بیماری کرونا، دولت‌ها و سیستم‌های بهداشت عمومی، وضعیت اضطراری اعلام کردند و اقدامات گسترده‌ای برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری انجام داده‌اند. گرچه شیوع ویروس کرونا، بیش‌تر سیستم‌های بهداشتی و درمانی کشورهای مختلف را با چالش روبه‌رو کرده است؛ اما سایر حوزه‌ها از جمله حوزه تعلیم و تربیت را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. با اوج‌گیری ویروس کرونا، پروتکل‌های بهداشتی بر رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی تأکید کردند و در این راستا در بسیاری از کشورها آموزش حضوری در مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل اعلام شد (Haji et al., 2021).

بنابراین با توجه به مشکل ایجاد شده در نظام آموزشی جهان، آموزش مجازی بهترین راه آموزش است؛ چرا که این نوع از آموزش سال‌هاست که در حال رشد می‌باشد و فرصت جدیدی را برای معلمان، دانشجویان، استادان، برنامه‌ریزان آموزشی و مؤسسات آموزشی فراهم می‌آورد (Mayadas, Bourne & Bacsich, 2009). هرچند در شرایط همه‌گیری ویروس کرونا، چاره‌ای جز آموزش مجازی نبود؛ اما شرایط و زیرساخت‌های آن در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، ایران، برای معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها فراهم نشده بود. بنابراین وضعیت جدید شرایط بی‌سابقه‌ای بر سیستم آموزشی کشورها تحمیل کرده، در حالی که پیش از آن، در بیش‌تر مواقع، معلمان در کلاس خود حاضر می‌شدند و با استفاده از روش‌های کلاسیک و به‌طور خاص روش سخنرانی به امر تدریس می‌پرداختند؛ اما در دوران همه‌گیری کرونا با وضعیتی جدید روبه‌رو شده‌اند به طوری که ادامه تحصیل فقط با استفاده از ابزارهای ارتباطی از راه دور ممکن است و معلمان مجبور هستند به تدریس آنلاین رو بیاورند و سبک‌های تدریس خود را متناسب با این فضا تغییر دهند (Haji et al., 2021)؛ بنابراین تدریس به‌صورت مجازی برای معلمان، والدین و مراکز

آموزشی، مشکلاتی از جمله ناآشنایی با فن آوری جدید و چالش‌هایی ناشناخته را به وجود آورده است (Maggio, Daley Pratt, & Torre, 2018).

یکی از چالش‌های پیش‌رو این است که از آنجایی که عصر امروز، عصر رایانه و فن آوری اطلاعات است و نفوذ غیرقابل انکار فن آوری در تمام ابعاد زندگی بشر با رشدی پرشتاب همراه شده است دانش‌آموزان در دسترسی به اطلاعات و کار با ابزارهای هوشمند و دیجیتال ماهرتر از نسل‌های پیشین و والدین، عمل می‌کنند و همین امر باعث بروز مسائل و مشکلاتی بین این دو نسل شده است (Mojdam et al., 2018). اگر تا دیروز آموزش تنها از معلمان و مربیان سود می‌برد و کتاب به عنوان منبع اصلی اطلاعاتی در امر آموزش محسوب می‌شد امروزه آموزش مجازی و استفاده از فن آوری‌های علمی در آموزش امری انکارناپذیر در آموزش و پرورش است (Gharibi 2022).

در پی شیوع کرونا و اعمال قرنطینه خانگی، والدین برای پیگیری آموزش مجازی مدارس، وسیله ارتباطی هوشمند مانند موبایل یا تبلت در اختیار فرزندان دانش‌آموز خود گذاشتند و این موضوع بالطبع سبب افزایش استفاده فرزندان از فضای مجازی شد. از آنجا که به موازات قرنطینگی، اوقات فراغت فرزندان محدود شده، آنان زمان بیش‌تری را در فضای مجازی می‌گذرانند. فضای مجازی به مثابه تیغ دو لبه است که می‌تواند کارکردهای مثبت و منفی بسیاری برای دانش‌آموزان داشته باشد. در واقع در اختیار داشتن ابزارهای ارتباط جدید هم‌چون گوشی، تبلت، لب‌تاپ و... برای آموزش دانش‌آموزان، امکان برقراری سریع ارتباط و تبادل سریع اطلاعات را بیش از پیش برای آنان فراهم کرده و در هر کجا که باشند، می‌توانند آخرین اطلاعات موردنیاز خود را در موضوعات درسی و غیردرسی دریافت کنند. با توجه به اهمیت مسائل آموزشی و تربیتی در دوره نوجوانی، این مهم در عصر اطلاعات به خانواده، مدرسه و اجتماع ختم نمی‌شود. فضای مجازی جایگاه ویژه‌ای را در زندگی نوجوانان باز کرده است و نیازمند نظارت والدین است؛ بنابراین در شرایط آموزش مجازی جدید، به غیر از معلم که در آموزش حضوری نقشی محوری داشته است والدین به‌ویژه مادران نیز نقشی اساسی و مهم به خود گرفته‌اند. از آنجا که هدف از پژوهش پیش‌رو، فهم تجربه زیسته مادران و ابعاد و معانی پیوسته به آن درباره آموزش مجازی در دوران قرنطینه کرونا است. سؤالات پژوهش بدین شرح است: ۱- وضعیت نگرش مادران در استفاده فرزندان‌شان از آموزش مجازی در دوران قرنطینه چگونه است؟ ۲- استفاده از فضای مجازی چه اضطراب و دلهره‌هایی را برای مادران به همراه

داشته است؟ ۳- مادران مزایای استفاده از فضای مجازی در دوران قرنطینه را چگونه بیان می کنند؟
۴- پیشنهادات مادران برای بهره‌وری بیش تر فرزندان از آموزش در فضای مجازی در دوران کرونا چه می باشد؟ ۵- مادران چه تدابیری را برای کنترل فرزندان از آسیب‌های فضای مجازی به کار می گیرند؟

پیشینه پژوهش

ام البنین همتی پور و همکاران (Hematipour et al., 2022) در مقاله ای با عنوان " شناسایی نقش والدین در آموزش مجازی؛ مقطع ابتدایی " مدل نقش اصلی والدین در آموزش مجازی با مقوله های اصلی تامین کننده، تسهیل کننده، هدایت کننده و پرورش دهنده شناسایی کردند. مدل مذکور که برای مدیریت کارآمد و اثربخش یادگیری در آینده، می تواند مبنایی جهت طراحی برنامه درسی مورد استفاده قرار گیرد.

انور حاجی زاده و همکاران (Haji et al., 2021) در پژوهشی با عنوان " تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در دوران کرونا؛ رهیافت توسعه آموزش مجازی در پسا کرونا" به این نتایج دست یافتند. پاندمی کرونا از یک طرف باعث افزایش مهارت و تجربه آموزشی کلیه ذینفعان شده و از طرفی دیگر آسیب‌های جسمانی، روانی، افت تحصیلی، فرسودگی شغلی را به بار آورده است.

زینب عزیزی و حسین حسین نژاد ممراآبادی (Azizi & Mammaraabadi, 2021) در مقاله‌ای با عنوان " فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی در دوران پاندمی کرونا " به چهار مضمون ۱- مشکلات مشترک بین دانش آموزان و معلمان (۶ زیر مضمون) ۲- مشکلات مختص دانش آموزان (۵ زیر مضمون) ۳- مشکلات مختص معلمان در آموزش مجازی (۳ زیر مضمون) ۴- مزایای آموزش مجازی (۵ زیر مضمون) دست پیدا کردند.

سلیمی و همکاران (Salimi & Fardin, 2020) مقاله‌ای با عنوان " نقش ویروس کرونا در آموزش مجازی، با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌ها" به انجام رسانیده‌اند. طبق نتایج، چالش‌ها و فرصت‌ها در سه سطح کلان، میانی و خرد مطرح و طبقه‌بندی شد. در سطح کلان چالش‌ها، نداشتن تفکر راهبردی مدیران و برنامه‌ریزان؛ سیاست‌گذاری نامطلوب، ضعف فن آوری آموزشی و مدیریت ناکارآمد؛ در سطح میانی چالش ضعف فن آوری‌های معرفی شده؛ نداشتن استقلال و آزادی عمل و برهم خوردن بودجه‌بندی مطرح شده و در سطح خرد حاصل گردید. هم‌چنین از نظر

مشارکت کنندگان، شیوع کرونا فرصت‌هایی را در سطح کلان (فراهم کردن زمینه تغییر، توجه به داشتن برنامه‌ریزی راهبردی و توجه به آموزش‌های برخط و مجازی، سطح میانی (خلق فرصت آموزشی برابر و خلق نوآوری آموزشی جدید) و سطح خرد به دنبال داشته است.

کول میرپور و همکاران (Kol Mirpour et al, 2019) پژوهشی با عنوان "بررسی تاثیر آموزش مجازی بر سلامت روان دانش‌آموزان" انجام دادند. نتایج نشان داد معلمان می‌توانند با به کارگیری عواملی مانند تقویت باورهای مذهبی و معنوی دانش‌آموزان، رشد اخلاقی، خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، انگیزش تحصیلی و سواد رسانه‌ای در پیشگیری و درمان آسیب‌های ناشی از آموزش در فضای مجازی و بهبود سلامت روان دانش‌آموزان، به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای سلامتی در جهان گام مثبت بردارند.

محمدی و همکاران (Muhammadi et al, 2020) پژوهشی با عنوان "واکاوای تجارب والدین دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی از چالش‌های آموزش مجازی با شبکه‌های اجتماعی در زمان شیوع ویروس کرونا" انجام دادند. آن‌ها محاسن و معایب آموزش مجازی در شبکه‌های اجتماعی در پنج مقوله آموزشی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فنی طبقه‌بندی کردند.

احمدی (Ahmadi, 2014) در پژوهشی با عنوان "رابطه آموزش مجازی و خلاقیت دانش‌آموزان در هزاره سوم" به بررسی تعیین رابطه آموزش مجازی و خلاقیت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول مدارس شهر تهران در هزاره سوم پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد میان میزان بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و خلاقیت و هر یک از مؤلفه‌های آن (سیالی، بسط، ابتکار، انعطاف‌پذیری) رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

پائودل (Paudel, 2021) در پژوهشی با عنوان "آموزش آنلاین: مزایا، چالش‌ها و استراتژی‌ها در طول و بعد از COVID-19" نشان داد مهارت‌های مدیریت زمان، آمادگی فنی و سواد رایانه از ویژگی‌های اساسی برای کاربران آموزش آنلاین است. یافته‌های پژوهش نشان داد اگر رویکرد ترکیبی برای آموزش آنلاین و حضوری اجرا شود فرآیند آموزش مؤثرتر و موفق‌تر خواهد بود.

روادی و همکاران (Rouadi et al., 2020) در پژوهشی با عنوان "تجربه یادگیری آنلاین در مدارس سطح متوسطه و پیشرفته" در لبنان در طول بحران کرونا (COVID-19) به بررسی موفقیت یا شکست یادگیری آنلاین در لبنان در طول این دوره پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که بسیاری از پاسخ‌دهندگان یادگیری آنلاین را یک شکست در مدارس متوسطه و پیشرفته دانستند. اتصال به

اینترنت کند، قطع برق، کمبود مشارکت دانش‌آموزان، نداشتن بیش از یک گوشی یا لپ‌تاپ در خانه از دلایلی بود که دیگران را به عنوان یک شکست به فکر فرو برد. از طرفی تنوع از تکنیک‌های توضیحی، مانند استفاده از فیلم‌های آموزشی، توانایی معلم برای تدریس آنلاین، ارتباط خوب بین معلم و دانش‌آموزانش و تعهد دانش‌آموزان به مشارکت، اصلی‌ترین دلایلی بود که برخی یادگیری آنلاین را موفقیت‌آمیز در نظر بگیرند.

باتول و راز (Batool & Raiz, 2020) نشان دادند که متخصصان تعلیم و تربیت به طور مداوم بر اهمیت مشارکت والدین در آموزش دانش‌آموزان تمرکز کرده‌اند. نتایج تحقیقات آنها همبستگی‌های مثبت بین مشارکت والدین و فعالیت‌های درسی و برنامه درسی یادگیرندگان را نشان داد. مشارکت موثر والدین، بخشی از برنامه درسی است که به منظور افزایش یادگیری دانش‌آموزان باید مد نظر متخصصان حوزه تعلیم و تربیت قرار گیرد.

نتایج تحقیقات ضامن و همکاران (Zaman et al, 2016) با هدف بررسی نقش والدین در آموزش‌های مجازی نشان داد که والدین پنج نقش واسطه‌گری از راه دور، یادگیری مشارکتی، استفاده مشترک، میانجیگری فعال و میانجیگری محدود کننده را در آموزش‌های مجازی فرزندان خود اعمال می‌کنند.

ذذتحقیق کانگ (Kong, 2018) با هدف بررسی درک، حمایت و نگرانی والدین از یادگیری الکترونیکی و مشارکت مدرسه و والدین برای توزیع مسئولیت‌ها بین آنها (والدین و مدارس) انجام شد. نتایج نشان داد که چهار نوع حمایت والدین و شش زمینه اصلی نگرانی آنها وجود دارد که به موجب آن، والدین باید سیاست یادگیری الکترونیکی فعال را در خانه برای نظارت، پشتیبانی و الهام از آموزش الکترونیکی اجرا کنند و مدارس نیز باید یک سیاست جامع برای رفع نگرانی والدین برای پاسخگویی و جلب حمایت والدین، تنظیم کنند.

بورنرت-رینگلب و همکاران (Bornert-Ringleb et al, 2021) در مقاله‌ای با عنوان "چه چیزی استفاده معلمان از یادگیری دیجیتال را در آلمان پیش‌بینی می‌کند؟ بررسی موانع و شرایط یادگیری دیجیتال در آموزش و پرورش" آموزش مجازی را در سه سطح؛ معلم، مدرسه و دانش‌آموز مورد بررسی قرار داده‌اند و نتیجه گرفتند اگرچه پاندمی کرونا، مشکلات زیادی بر تمام شاخص‌های جامعه از جمله سلامت مردم تحمیل کرد؛ اما منجر به شکوفایی برخی قابلیت‌ها در

کشور شد که از آن جمله می‌توان به فراگیر شدن و رونق یافتن آموزش مجازی در سراسر کشور اشاره کرد.

در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در دوران کرونا، محققان به بررسی نگرش و دغدغه معلمان پرداخته‌اند و آموزش مجازی و مشکلات ناشی از آن را از دید معلمان بررسی کرده‌اند؛ بنابراین مسائلی چون دغدغه‌های مادران در ارتباط با آموزش مجازی و افزایش تنش‌های مادران و فرزندان در این رابطه، مغفول مانده است. در پژوهش حاضر، علت انتخاب مادران به‌عنوان مصاحبه‌شوندگان آن است که مادران ارتباط بیش‌تری با دانش‌آموزان داشته و اکثراً تکالیف مدرسه و راه‌های ارتباط با آموزش فرزندان و دبیران آنها بر عهده مادران می‌باشد. مادرائی که اکنون از طرفی علاوه بر نقش والد بودن، نقش دبیری را هم لاجرم ایفاء می‌کنند و از طرف دیگر دغدغه درگیر شدن فرزندان‌شان در فضای مجازی و آسیب‌هایی که در اثر استفاده از آن متحمل می‌شوند را هم دارند به‌خصوص اگر مادری بیش از یک فرزند داشته باشد مشکلات چندبرابر خواهد شد. هم‌چنین به دلیل تعطیلی ناگهانی مدارس، فرصت آموزش و اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان برای استفاده از فضای مجازی و شرکت در کلاس‌ها فراهم نشد و البته در رابطه با مادران هم فرصت آگاه‌سازی و چگونه برخورد با فرزندان در نحوه استفاده از فضای مجازی فراهم نشد که تمامی این عوامل، موجبات پرداختن به پژوهش پیش‌رو را فراهم کرد.

روش تحقیق

پدیدارشناسی، اساساً مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. پدیدارشناسی می‌کوشد معانی را آن‌چنان که در زندگی روزمره، زیسته می‌شوند آشکار نماید (Chenari, 2007). با توجه به این که هدف پژوهش حاضر، فهم تجربه زیسته مادران و ابعاد و معانی پیوسته به آن درباره آموزش مجازی در دوران کرونا است از روش‌شناسی پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. از بین مادران تهرانی، با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۵ نفر که حداقل یک فرزند مدرسه‌ای ۱۱ تا ۱۵ سال داشتند انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. هدف از انتخاب مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق پدیدارشناسی توصیفی، انتخاب مشارکت‌کنندگانی است که تجربه زیسته‌ای دارند که مورد توجه این مطالعه خاص است و این مشارکت‌کنندگان تمایل دارند درباره تجربه خود صحبت کنند. هم‌چنین مشارکت‌کنندگان تا حد امکان به لحاظ تحصیلات، محل سکونت در مناطق مختلف شهر با یکدیگر

متفاوت بودند تا امکان دستیابی به روایت‌های غنی و منحصر به فرد درباره یک تجربه خاص فراهم آید (Sandelowski, 1986). در جدول شماره ۱، مشخصات مادران شرکت کننده در مصاحبه‌ها ذکر شده است.

تعداد مشارکت کنندگان بر اساس ماهیت مطالعه و کیفیت اطلاعات جمع آوری شده تا زمان دستیابی به اشباع نظری تعیین گردید و به عبارتی دیگر تا زمانی که محقق فهم روشن تری از تجربه در صحبت‌های بعدی با مشارکت کنندگان به دست نمی‌آورد؛ در این پژوهش مطابق با روش پدیدارشناسی و زمینه تحقیق از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته استفاده گردید. سؤالات مصاحبه‌ها حول موضوع چالش‌های آموزش مجازی و موضوعات و دغدغه‌های مادران در رابطه با آموزش مجازی و استفاده از فضای مجازی در دوران کرونا، شکل گرفت تا بتوانیم فهم دقیق تری از شرایط پیش آمده درک کنیم. مدت زمان مصاحبه‌ها حدوداً یک ساعت بود و به علت شیوع بیماری کرونا و حفظ سلامت مادران، مصاحبه‌ها به صورت تلفنی انجام شد. زمان انجام مصاحبه‌ها زمستان سال ۱۳۹۹ و در پیک سوم کرونا بود. مصاحبه‌ها به علت وخامت شرایط در کشور، تمامی مدارس در شهر تهران به صورت کاملاً مجازی برگزار شد.

روش تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل کلایزی که شامل هفت مرحله است انجام شد. در مرحله اول، مصاحبه‌ها به صورت کامل و دقیق نوشته شده و برای درک کلی از تجربه زیسته مشارکت کنندگان، مورد بازخوانی مجدد قرار گرفت. در مرحله بعدی متن پیاده شده مصاحبه‌ها به واحدهای معنی دار تقسیم شد و پس از تفکیک واحدهای معنی دار، واحدهای مرتبط با موضوع انتخاب شد و سپس معنای هر یک از عبارات‌های مهم توضیح داده شد که در این مرحله سعی شد تا توصیف داده شده به این واحدهای معنایی، برگرفته از خود متن باشد و پس از اتمام کدگذاری کامل متن، کدهای تکراری حذف و با تشکیل دسته‌بندی جدید، معانی مشترک از واحدهای معنایی استخراج شده و ۳۶ مضامین اولیه شکل گرفتند که بعد از آن دسته‌بندی معانی فرمول‌بندی شده، انجام گرفته و معانی و مضامین مشترک در دسته‌بندی‌های متفاوت قرار گرفتند و سپس، برای هر طبقه یک عنوان خاص داده شد که اصطلاحاً مضمون‌های فرعی نامیده می‌شوند. مضمون‌های فرعی در حقیقت معنایی است که محقق به کدهای توصیفی می‌دهد که ۷ مضمون فرعی به دست آمد. در مرحله بعدی، مضمون‌های فرعی مورد جمع‌بندی قرار گرفتند و به عبارتی مضمون‌های فرعی در ارتباط با هم و کنار هم قرار گرفتند. پس از جمع‌بندی مضمون‌های فرعی، مضمون‌های اصلی به

دست آمد و مورد تحلیل قرار گرفت که ۳ مضمون اصلی و نهایی به دست آمد. در آخرین مرحله جهت اعتباریابی یافته‌های استخراج شده، از بازگشت و اعتبارسنجی استفاده شد و کدگذاری به دست آمده همراه با نقل قول مشارکت کنندگان در اختیار تعدادی از مشارکت کنندگان و صاحب نظران قرار گرفت. هم چنین برای رعایت اخلاق پژوهش به شرکت کنندگان این اطمینان داده شد که مصاحبه‌ها به صورت محرمانه بوده و برای حفظ حریم شخصی افراد به هر کدام از شرکت کنندگان یک کد جهت گزارش اظهارات تعلق گرفت.

جدول ۱: مشخصات مادران شرکت کننده در مصاحبه

تحصیلات مادر	شغل مادر	تعداد		جنسیت فرزندان دانش آموز
		فرزندان	سن فرزندان	
۱ کارشناسی ارشد	کارمند	۲	۱۲ و ۱۵	دختر - پسر
۲ کارشناسی	خانه‌دار	۱	۱۳	پسر
۳ دیپلم	خانه‌دار	۲	۱۱ و ۱۴	پسر - پسر
۴ کارشناسی	روانشناس	۱	۱۲	پسر
۵ دیپلم	خانه‌دار	۲	۱۱ و ۱۵	پسر - دختر
۶ کارشناسی ارشد	مدرس	۲	۱۳ و ۱۵	دختر - دختر
۷ کارشناسی	کارمند بخش خصوصی	۱	۱۲	پسر
۸ کارشناسی ارشد	مدیر موسسه تجاری	۲	۱۲ و ۱۴	پسر - دختر
۹ کارشناسی	معلم	۲	۱۱ و ۱۵	پسر - دختر
۱۰ کارشناسی	حسابدار	۱	۱۳	دختر
۱۱ کارشناسی ارشد	کارمند بانک	۲	۱۲ و ۱۵	دختر - دختر
۱۲ دیپلم	خانه‌دار	۳	۱۱ و ۱۳ و ۱۵	دختر - پسر - پسر
۱۳ کارشناسی	پژوهشگر	۱	۱۵	پسر
۱۴ دیپلم	کارمند بخش خصوصی	۱	۱۲	پسر
۱۵ دیپلم	خانه‌دار	۲	۱۱ و ۱۲	دختر - دختر

تشریح مفاهیم نظری

دیدگاه‌های متنوعی راجع به جایگاه نظریه در تحقیقات پدیدارشناسانه وجود دارند. در پژوهش حاضر از دیدگاه نظریه پردازانی نظیر میشل، گافمن و چانولد نسبت به جایگاه نظریه در پژوهش‌های پدیدارشناسانه پیروی کردیم. این دسته از نظریه پردازان، معتقدند بیان یک نقطه نظر می‌تواند اعتبار و هم‌چنین بینشی عمیق در پیش‌بردن پژوهش به ما کمک کند (Bond & Aslonen, 1998). بنابراین بیان این نظریات می‌تواند چارچوب مناسبی را برای فهم تأثیر فضای مجازی بر دانش‌آموزان و مزایا و معایب فضای مجازی فراهم کند و از طرفی اجرای تحقیق کیفی، ابزار مناسبی برای فهم بهتر تجربه مادران فراهم می‌کند.

نظریه کاشت یا پرورش‌گربر بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبان و تأثیری که رسانه بر مخاطبان می‌گذارد تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت‌پنداری در محتوا و برنامه‌های آن رسانه، ارتباط مستقیم وجود دارد به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص، باعث ایجاد نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود. در واقع نظریه پرورش با تعیین میزان و نوع برنامه‌های مورد استفاده از رسانه‌ها، میزان تأثیر را مطالعه می‌کند تا به سازوکار و نحوه تأثیر دست پیدا کند (Kikhaei, 2012). نظریه کاشت یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی عموم از واقعیت خارجی، شکل دهد؟ نظریه کاشت با اشاعه برای ارائه الگویی از تحلیل، تبیین شده است تا نشان‌دهنده تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساساً در سطح برداشت اجتماعی، عمل می‌کنند.

گربر معتقد است زمانی که شخص، متغیرهای دیگر (میزان، نوع، مدت و ویژگی‌های فردی و اجتماعی) را هم‌زمان کنترل کند اثر باقی‌مانده که قابل انتساب به رسانه‌ای خاص باشد نسبتاً کم است. به اعتقاد کاستلز شبکه اینترنت، ستون فقرات ارتباطات جهانی از دهه ۱۹۹۰ به بعد است؛ چرا که به تدریج بیش‌تر شبکه‌های اجتماعی را به یکدیگر پیوند خواهد داد. مسأله بدین جا ختم نشده بلکه انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری به تدریج فرهنگ کاربران شبکه و حتی الگوهای ارتباطی آینده را نیز شکل می‌دهد. از نظر کاستلز جامعه شبکه‌ای (که محصول اصلی اینترنت است)

بر ساخته شدن هویت افراد، مؤثر خواهد افتاد. به نظر وی، فرآیند جهانی شدن و به دنبال آن جامعه شبکه‌ای با تولید و رشد آگاهی در مردم به تضعیف مسائلی چون دولت ملی و هویت ملی مرتبط با آن منجر می‌شود بدین صورت که با برجسته شدن بسیاری از هویت‌های خاص گرایانه (همانند هویت‌های قومی و مذهبی) در داخل کشورها، سلطه دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی به چالش کشیده خواهد شد.

به اعتقاد ولمن، اینترنت تنها یک ابزار ارتباطی نیست (Wellman & Frank 2001). امکانات بسیار متنوعی در اینترنت وجود دارد از قبیل: سایت‌های خبری، وبلاگ‌ها، چت و ایمیل و نیز سایت‌های موسیقی، فیلم و بازی‌های اینترنتی که استفاده از آنها فعالیتی اجتماعی محسوب نمی‌شود. در واقع ولمن دو گونه استفاده از اینترنت را بر می‌شمارد: استفاده‌های اجتماعی مثل ایمیل، چت و استفاده‌های غیراجتماعی مثل وب‌گردی و دانلود موسیقی و بازی. زمانی که اینترنت مردم را با فعالیت‌های غیراجتماعی درگیر می‌کند حتی بیش از تلویزیون، می‌تواند آنان را از اجتماع، سازمان‌ها، مشارکت سیاسی و زندگی خانوادگی دور کند و در مقابل، زمانی که مردم از اینترنت برای ارتباط با دوستان، خویشان و سازمان‌ها (دور یا نزدیک) می‌کنند آنگاه اینترنت هم‌چون ابزاری برای ساختن و حفظ سرمایه اجتماعی خواهد بود (Wellman & Frank 2001). در واقع، ولمن اثرات اینترنت را کاملاً در جهت افزایش ارتباطات اجتماعی ارزیابی نمی‌کند بلکه آن را تابع نوع استفاده‌ای که از آن می‌شود، می‌داند بدین ترتیب، نظریه ولمن نیز در تبیین برخی ابعاد موضوع پژوهش، مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

با تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به چهار مضمون اصلی، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، ناکارآمدی آموزش مجازی و مزایای ادراک‌شده آموزش مجازی، دست یافتیم. این چهار مضمون اصلی، هرکدام از مضامین فرعی تشکیل شده‌اند که ابعاد مختلف آن را مشخص و تعریف می‌کند.

آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی کودکان

با وقوع همه‌گیری کرونا و هم‌چنین الزام مدارس به آموزش مجازی و استفاده از پیام‌رسان‌ها جهت پیگیری امر آموزش و گذراندن وقت بیشتر و درگیری بیشتر دانش‌آموزان با فضاهای مجازی، آسیب‌هایی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی برای دانش‌آموزان ایجاد شد. این مضمون اصلی از

سه مضمون فرعی: آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در فضای مجازی، رشد فرهنگ مصرف‌گرایی در دانش‌آموزان و اختلال در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تشکیل شده است.

بسیاری از والدین در مصاحبه‌ها ضمن ابراز نگرانی از مواجه فرزندان‌شان با محتوای نامناسب، ابراز می‌داشتند که بسیاری از مطالب و محتواهای موجود در فضای مجازی با سن و درک فرزندشان سازگاری ندارد. مواجهه با محتوای نامناسب و دسترسی آسان به منابع غیراخلاقی که مهم‌ترین محصولات فرهنگی اعم از فیلم، عکس، متن، بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی را تولید و سپس در فضای مجازی تبلیغ و ترویج می‌کند.

مادران در تلاش برای اجتماعی کردن کودک سعی دارند محتواهای کهن فرهنگی را به او بیاموزند و فراموش می‌کنند که از دوران کودکی آنان تاکنون، زندگی عمیقاً دگرگون شده است و در تلاش برای اجتماعی کردن کودک با شیوه‌ها و نهادهای مشخص جامعه ظاهراً فراموش می‌کنند آنچه برای خودشان نهادینه شده است برای جوانان بسیار انتقادبرانگیز یا بیزارکننده است. با افزایش این مشکلات، فرزندان‌شان احساس می‌کنند که توسط والدین خود و مخصوصاً مادرانشان درک نمی‌شوند.

مادر شماره ۱۵: «وقتی از دخترم انتقاد می‌کنم که زیاد در فضای مجازی وقت می‌گذرونی بهم می‌گه منو درک نمی‌کنی و شماها با ما فرق دارین. من همه چیم توی گوشیه و کار دیگه جز این ندارم بهم می‌گه تو این همه با تلفن حرف می‌زنی مگه من چیزی می‌گم نسل شما با تلفن حرف می‌زد حالا ما با گوشی مشغول هستیم فیلم می‌بینم تو گوشی هستم چرا فک می‌کنی کار اشتباه می‌کنم شماها دائم تو حیات و کوچه با دوستاتون بازی می‌کردین ولی من الان تو این شرایط نه بیرون و پارک میتونم برم و نه خونه دوستانم می‌زاری برم تفریح دیگه ای جز گوشی ندارم».

از طرفی نوجوانان به علت شرایط سنی، به راحتی از شخصیت‌های مطرح در فضای مجازی تقلید کرده و بدون در نظر گرفتن هنجار یا نابهنجار بودن رفتار، دست به تقلید می‌زنند.

حتی در مصاحبه‌ها خانواده‌ها به برخی تغییرات گفتاری فرزندان‌شان تحت تأثیر فضاهای مجازی اشاره داشتند. آنان ابراز می‌داشتند که ادبیات گفتاری، نوع پوشش و حتی سلیقه فرزندان‌شان در این مدت به دلیل استفاده مداوم از فضاهای مجازی به بهانه کلاس‌های مجازی، تغییر کرده است.

با آموزش مجازی، مجبور به تهیه گوشی یا تبلت شخصی برای فرزندان‌شان شدند یا اگر فرزندشان قبلاً از گوشی آنان استفاده می‌کرده، در حال حاضر مجبور هستند زمان بیش‌تری وسیله را در اختیار

فرزندشان قرار دهند. برخی دیگر از خانواده‌ها که از قبل برای فرزندان‌شان گوشی یا تبلت فراهم کرده بودند اشاره داشتند از آنجایی که فرزندان‌شان مدرسه می‌رفتند و آموزش به شکل مجازی نبود امکان کنترل فرزندان در مواجهه با فضای مجازی بیش تر بود؛ اما با قرنطینه‌های خانگی و نبود سرگرمی در خارج از منزل و مجازی شدن همه آموزش‌ها مواجهه فرزندان‌شان با فضای مجازی بسیار بیش تر شده و آسیب‌پذیری آنان به علت فقدان آموزش نحوه استفاده از فضای مجازی، عدم کنترل والدین و مواجهه یکباره دانش‌آموزان با فضای مجازی، افزایش یافته است.

مضمون فرعی دیگر، رشد فرهنگ مصرف‌گرایی در دانش‌آموزان می‌باشد. آنچه تاکنون بحث شد موضوع آموزش و پرورش دانش‌آموزان بود؛ اما علاوه بر آن‌ها آن‌چه که جنبه روانی قضیه را بیش تر می‌نماید فشار مالی است که بر خانواده‌ها تحمیل شده است. این بار مالی می‌تواند به بخش‌های ذیل تقسیم شود:

افزایش قیمت ناگهانی گوشی و تبلت نسبت به سالهای گذشته، عدم تخصیص اینترنت فیلتر شده مخصوص دانش‌آموزان، رفتارهای رقابت‌جویانه در خرید گوشی و تبلت در فرزندان. مادر شماره ۷، چنین توضیح می‌دهد: «متأسفانه بین پسر و هم‌کلاسی‌هاش یه جو رقابتی برای خرید گوشی و تبلت ایجاد شده، بچه‌ها درباره کارایی‌ها و امکانات گوشی‌هاشون باهم رقابت دارن. میدونن مدل گوشی که بالاتره و دوست دارن بهترین رو داشته باشن.»

مضمون فرعی دیگر که یکی از ابعاد آسیب فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، در دوران آموزش مجازی و قرنطینه‌های خانگی است اختلال در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان می‌باشد. مادران با بیان این‌که فرزندان‌شان در این مدت، از حضور در مدرسه محروم بوده و به علت خطر ابتلا به بیماری کرونا و همچنین آموزش مجازی، بیش‌ترین زمان خود را در منزل سپری کرده و از حضور در اجتماع محروم بودند ابراز نگرانی داشتند.

مادر شماره ۱۵ بیان می‌دارد: «الان چون از اول سال مدرسه نرفتند حتی دوست جدید پیدا نکردند و رابطشان با هم‌کلاسی‌های قبلی‌شان به خاطر طولانی شدن تعطیلی مدارس کم‌رنگ شده و حتی تمایلی به برقراری صحبت با هم‌کلاسی‌ها ندارند؛ بنابراین بیش‌تر با گوشی و حتی دوستان مجازی در ارتباط هستند که این، نگرانی من را بیش‌تر کرده وقتی با کسانی که نمیشناسمشون در ارتباط هستند.»

به موازات کاهش تعامل حتی انگیزه‌شان برای آموزش، ارتباط با معلمان، گروه آموزش و هم‌کلاسی‌ها کاهش یافته است. وقتی فرزندان برای مدت طولانی از روز، در فضای مجازی حضور دارند در سایر فعالیت‌های تحصیلی، ارتباطی و اجتماعی دچار عقب‌ماندگی می‌شود. مضمون اصلی دیگر:

مخاطرات سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان: این مضمون به آسیب‌های جسمانی و روانی وارد بر دانش‌آموزان بر اثر آموزش‌های مجازی و تعطیلی مدارس به صورت حضور اشاره دارد. مادران در مصاحبه‌ها با ابراز نگرانی از آسیب‌های جسمانی، استفاده از فضای مجازی چه بسا برای آموزش، ابراز می‌داشتند که فرزندان آنها در خطر بروز مشکلاتی در ناحیه چشم و مغز قرار دارند. مادر شماره ۸ چنین توضیح می‌دهد: «با آموزش مجازی و حضور دائم بچه‌ها در منزل، استفاده از گوشی در پسر من بالا رفته است و خب مسلماً به چشمش آسیب وارد میشه و حتی به نظرم به مغز بچه‌ها هم آسیب وارد میشه و این ما والدین را نگران میکنه.»

دانش‌آموزان روزانه ساعت‌های متوالی را به تماشای کلاس‌های آنلاین می‌گذرانند و ممکن است علائم بینایی (خستگی چشم، خشکی چشم، درد، سوزش، قرمزی و ...)، علائم چشمی (تاری دید) و عضلانی اسکلتی (درد گردن و شانه) که در مجموع به‌عنوان سندرم بینایی رایانه (CVS: computer vision syndrome) شناخته می‌شوند را تجربه کنند.

علاوه بر این، مادران کم‌حرکی و احتمال افزایش وزن و چاقی را نیز در فرزندان خود در مصاحبه‌ها ذکر کرده و معتقد بودند که هرچند آموزش مجازی، شاید تنها راه آموزش در دوران کرونا بود؛ اما فرزندان آنها از نظر جسمی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شدند.

علاوه بر آسیب‌های جسمانی، آسیب‌های روانی نیز می‌تواند در پی داشته باشد. مادران با اشاره به رشد انزوای طلبی، افزایش پرخاشگری و حتی کم‌حرفی در فرزندان‌شان، این اختلالات را با رشد استفاده از فضای مجازی در دوران قرنطینه‌های خانگی و عدم حضور اجتماعی فرزندان خصوصاً در مدرسه، در ارتباط می‌دانستند.

مادر شماره ۱۰ ضمن ابراز نگرانی از تغییرات روحی و روانی در فرزندش اشاره می‌کند: «الان همش سر بچه‌ها توی گوشی است و خب کلاس مجازی هم بهونه شون هست. پسر من اکثراً تو عالم خودشه، گاهی تا آخر شب به جز چند کلمه محدود با من و پدرش حرف دیگه‌ای نمیزنه. قبلاً

اینطوری نبود از مدرسه که می‌آمد از اتفاقات مدرسه برامون می‌گفت ولی الان هیچی. به نظرم بچه‌ها خیلی بیش‌تر از ما از کرونا آسیب دیدن.»

تنهایی، افسردگی، اضطراب، عزت‌نفس پایین، برخی از مشکلات احتمالی است که نوجوانان در استفاده بیش از حد از اینترنت به‌صورت آنلاین با آن مواجه هستند.

مضمون اصلی دیگر استخراج شده از مصاحبه‌ها ناکارآمدی آموزش مجازی در مدارس: این مقوله دارای دو مضمون فرعی، نبود زیرساخت جهت آموزش مجازی و محقق نشدن کامل امر آموزش مجازی است.

متأسفانه اکثر مدارس، جهت آموزش مجازی از پیام‌رسان‌هایی استفاده می‌کردند که امکان تعامل چهره‌به‌چهره و لحظه‌ای را برای دانش‌آموزان با معلم فراهم نمی‌کرد. مادران در مصاحبه‌ها از نبود رابطه تعاملی بین فرزندشان با معلم، ابراز نگرانی داشته و تدریس در بستر فضاهای مجازی مورد استفاده توسط مدارس را فاقد توانایی ایجاد رابطه تعامل دانش‌آموز با معلم می‌دانستند. فضاهایی مثل شاد یا حتی واتساپ که در غالب مدارس جهت آموزش مجازی استفاده می‌شد.

اکثر مادران از روش‌های ارزیابی معلمان و نحوه تشویق و تنبیه معلمان راضی نبودند و نسبت به امتحانات و نمرات حاصل از آن اطمینان نداشتند و حتی این روش، فرزندان‌شان را نسبت به کسب دانش و حل تمرین‌ها و تکالیف بی‌انگیزه کرده بود؛ زیرا رقابت و تلاش برای نمره بیش‌تر معنای خودش را ازدست داده بود و معلمان تدابیری برای فعالیت بیش‌تر نمی‌اندیشند و به گفته مادران فرزندان‌شان هم از این موقعیت‌ها سوءاستفاده می‌کردند. مشکلات در دروسی عملی مانند ریاضی فیزیک دوچندان می‌شد. قبلاً در کلاس‌های درسی، خب معلمان از تخته و ابزار برای آموزش استفاده می‌کردند درحالی که هم‌اکنون بیش‌تر اوقات برای این درس هم معلمان شماره صفحه کتاب و نهایت داخل یک پیام صوتی توضیح می‌دهند و مجبور به گرفتن معلم خصوصی می‌شویم. در بعضی از مدارس غیردولتی از روش‌هایی مانند آموزش تصویری یا استفاده از پاورپوینت استفاده می‌کنند که بسیار موثرتر است و برای دانش‌آموزان هم جذابیت بیش‌تری دارد.

مقوله فرعی دیگر، نبود زیر ساخت‌ها جهت آموزش مجازی بود. مادران ضمن بیان دغدغه‌هایی چون پایین بودن سرعت نت، قطع اینترنت در زمان کلاس و اختلالات شبکه نت، گران بودن بسته‌های اینترنتی و هم‌چنین پایین بودن کیفیت اپلیکیشن‌های داخلی در انتقال محتوای آموزشی، به این نکته اشاره داشتند که در کنار پایین بودن کیفیت آموزش مجازی و عدم تحقق کامل امر

آموزش در آموزش مجازی که برای دانش آموزان وجود داشت مشکلات مربوط به زیر ساخت های اینترنت در کشور نیز به ناکارآمدی آموزش مجازی با روندی که دانش آموزان پشت سر گذاشتند صحنه گذاشت.

مادر شماره ۵ چنین می گوید: «واقعاً شاد سرعت پائینی داشت. فیلم ها با تأخیر می آمد و بچه ها را اذیت می کرد علاوه بر این، سرعت نت گاهی خیلی پایین بود. هر چند همه می دانستیم که به خاطر خطر کرونا نمی شه بچه ها به مدرسه بروند؛ اما خب کاش شرایط آموزش مجازی حداقل بهتر بود و سرعت نت، بالا و می تونستیم از امکانات بهتری برای آموزش مجازی بچه ها استفاده کنیم.» علاوه بر مضامینی که مربوط به مضرات و آسیب های فضای مجازی بود بعضی از مادران هم از این شرایط و آموزش مجازی رضایت داشتند که تحت عنوان مزایای ادراک شده آموزش مجازی از آنها نام برده ایم و شامل دو مضمون فرعی فرصت های آموزش مجازی و افزایش توانمندی دانش آموزان در فضای مجازی است.

فرصت ها: یکی از مهم ترین نکات که مادران به آن اشاره می کردند کمبود کاهش نگرانی در رابطه با سلامت فرزندان شان بود؛ زیرا اگر بچه ها در این شرایط به مدرسه می رفتند دائم باید نکات بهداشتی را به آنها یاد آور می شدیم. از آن جایی که بچه ها به دلیل بازیگوشی در مدرسه و یا رعایت نکردن بعضی از دانش آموزان در معرض خطر ابتلا به کرونا قرار می گرفتند و برای ما سلامتی مهم تر از تحصیل می باشد.

گسترش محیط آموزشی به فضای آنلاین و عدم محدود سازی تیم آموزشی و دانش آموزان به یک مکان خاص مانند ساختمان مدرسه یا آموزشگاه، از نظر این مادران، نقطه قوت آموزش آنلاین است. هم چنین امکان مرور مطالب و افزایش فرصت برای آنها فراهم شده است. استفاده از محتوای بصری و چند رسانه ای، باعث درگیر شدن بخش های زیادی از مغز مخاطب می شود و کمک می کند محتوای آموزش داده شده، مدت زمان بیشتری در ذهن او ثبت شود و مدت زمانی که خانواده ها صرف رفت و آمد می کردند کاهش یافته بود. به گفته آنها قبلاً زمان زیادی در ترافیک می گذشت و یا هزینه سرویس بچه ها برایشان سنگین بوده که الان این مسائل کمرنگ شده است.

بعضی از مادران هم، محیط های آموزشی آنلاین را یکی از محرک ترین، مهیج ترین و غنی ترین ابزارهای آموزش و یادگیری ذکر کرده اند. محیط های آموزشی در فضای مجازی، فرصت های درازمدت فراهم می آورند و موجب افزایش خود کارآمدی و اعتماد به نفس می شوند. از آن جایی که

استفاده از اینترنت می تواند سؤالات جدیدی در ذهن دانش آموزان کاربر ایجاد کند موجب درونی شدن انگیزش یادگیری آنها شده و به یادگیری بهتر ترغیب می کند.

مادر شماره ۱۴: « پیچ‌هایی که اطلاعات عمومی دارند بسیار به فرزند من کمک می کند و باعث افزایش اطلاعاتش شده است. خب شاید جواب خیلی از سؤال‌ها را من هم ندانم ولی وقتی فرزندم از فضای مجازی کمک می گیرد و سراغ مطالب علمی و جهانی می‌رود راجع به مسائل فیزیک و .. مطالعه می کند و اطلاعاتش را زیاد می کند من خوشحال می‌شم.»

بعضی از مادران هم نقش مثبت فضای مجازی را در عرصه ظهور خلاقیت مورد تأکید قرار دادند؛ زیرا رایانه فن آوری اطلاعات و جامعه شبکه‌ای، افراد را به سوی زندگی‌ای سوق داده است که در آن می توانند با اتخاذ نقشی فعال و خلاق، به صورت فردی یا جمعی در ساختن چیز جدیدی سهیم باشند و در فرآیند هم آفرینی، شرکت کنند و به خودیابی خویشتن کمک کنند.

بسیاری از دانش آموزان برای تحقیقات کلاسی از مادران خود انتظار کمک داشتند و حتی این تکالیف را جز وظایف مادران شان می دانستند؛ ولی با مجازی شدن آموزش و استفاده بیش تر فرزندان از این فضا کم کم از وابستگی به مادران کاسته شد و عدم وابستگی و کشف مطالب جدید را تجربه کردند.

جدول ۲: مضامین استخراج شده از مصاحبه با مادران

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مضامین اولیه
آسیب‌ها ی فرهنگی اجتماعی دانش‌آمو زان	آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در فضای مجازی	تقلید از الگوهای نامناسب مجازی، مواجهه با محتوای نامناسب، عدم امکان کنترل مداوم دانش‌آموز در فضای مجازی، رها بودن کودکان در فضای مجازی، تغییر ادبیات گفتاری متأثر از فضای مجازی، عدم توانایی دانش‌آموزان در تشخیص محتوای هنجار و ناهنجار
		مواجهه شدن با ضد ارزش‌ها، عدم آموزش فرهنگ استفاده از فضای مجازی تغییرات در نحوه پوشش و حتی سلیقه دانش‌آموزان، احساس درک نشدن توسط مادران

<p>تقاضای خرید گوشی شخصی، چشم و هم چشمی دانش آموزان در خرید گوشی، رقابت در خرید گوشی، اهمیت به مدل گوشی، برتری جویی در خرید گوشی</p>	<p>رشد فرهنگ مصرف گرایی در دانش آموزان</p>
<p>کاهش تعاملات اجتماعی به علت قرنطینه و تعطیلی مدارس، کاهش حضور اجتماعی دانش آموزان، رشد فرد گرایی، کاهش قانون مداری اجتماعی در دانش آموزان جامعه گریزی، گذراندن زمان بیش تر در فضای مجازی</p>	<p>اختلال در جامعه پذیری دانش آموزان</p>
<p>چاقی، کم تحرکی، اختلالات خواب، آسیب به بینایی، آسیب های مغزی</p>	<p>اختلالات جسمی</p>
<p>کم حرفی، افزایش پرخاشگری، رشد افسردگی، تغییرات رفتاری، رشد انزوای طلبی، اعتیاد به فضای مجازی</p>	<p>آسیب های روانی</p>
<p>نبود رابطه تعاملی در تدریس، بی کیفیت دانستن آموزش مجازی، بی علاقه دانش آموزان در آموزش مجازی سختی تدریس دروس عملی به صورت مجازی، نبود رابطه موثر بین معلم و دانش آموز، کاهش نظارت معلم بر فرآیند آموزش دانش آموزان، کاذب بودن نمرات دانش آموزان</p>	<p>محقق نشدن کامل امر آموزش ناکارآمدی آموزش مجازی</p>
<p>پایین بودن سرعت نت، قطع اینترنت در زمان تدریس، گران بودن بسته های اینترنتی، پایین بودن کیفیت اپلیکیشن های داخلی</p>	<p>نبود زیرساخت جهت آموزش مجازی</p>
<p>کاهش رفت و آمد، کاهش خطر ابتلا به کرونا صرفه جویی در وقت و هزینه، دسترسی آسان به محتوای درسی جهت مرور، عدم محدودیت زمانی در دریافت مطالب درسی، حذف تکالیف و فعالیت های کلاسی غیر ضروری</p>	<p>مزایای ادراک ده آموزش مجازی</p>

آشنایی بیش‌تر دانش‌آموزان با روش‌های نوین آموزش،
رشد استقلال دانش‌آموزان در استفاده از فضای مجازی،
افزایش توانایی دانش‌آموزان در استفاده از فضای مجازی،
رشد مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان در فضای مجازی،
توسعه مهارت‌های دانش‌آموزان در استفاده از اینترنت،
پروژه خلاقیت

بحث و نتیجه گیری

همه‌گیری کرونا و لزوم آموزش مجازی جهت حفظ سلامت دانش‌آموزان یکی از موضوعات و چالش‌های مهم نظام آموزشی ما در سال‌های اخیر بود. برخلاف بسیاری از کشورها، ما در آموزش کودکان و نوجوانان در مدارس، تجربه و سابقه‌ای در آموزش مجازی نداشتیم و در بخش‌های زیادی از کشور حتی بعد از همه‌گیری نیز زیرساخت‌های لازم جهت آموزش مجازی برای دانش‌آموزان فراهم نبود. ناآشنایی دانش‌آموزان، معلمان و حتی خانواده‌ها با آموزش مجازی و دشواری‌های آن در آموزش کودکان از موضوعات چالش‌برانگیز در نظام آموزشی ما در دو سال اخیر بود. با توجه به اهمیت آموزش مجازی بعد از بهبود شرایط و رفع محدودیت‌های کرونایی و لزوم بهره‌مندی از مزایای این نوع آموزش در کنار آموزش حضوری، تحلیل موضوعات پیرامون آن هم‌چنان می‌تواند از الویت‌های پژوهشی کشور باشد تا فرصت‌ها و چالش‌های آن بازنمایی گردد. در پژوهش‌های انجام شده در این موضوع، پژوهشگران عمدتاً با روش‌های کیفی و مطالعات عمیق پرداخته و سعی در واکاوی دقیق موضوع داشتند. دو روایت عمده در پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع مورد نظر صورت گرفته است.

پژوهش‌های حاجی‌زاده (Hajizadeh, 2021)، عزیزی و حسین‌نژاد (Azizi & Hosseinnezhad, 2021)، سلیمی و همکاران (Salimi et al., 2020)، بورنرت-رینگلب و همکاران (Bornert-Ringleb et al., 2021)، روادی و همکاران (Rouadi et al., 2021) و پائودل (Paudel, 2021) که به تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های آموزش مجازی پرداخته‌اند و ابعاد مثبت و منفی آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

روایت دوم نیز پژوهش‌هایی است که به تحلیل تجربه والدین و نقش آنان در موضوع آموزش مجازی پرداخته‌اند شامل پژوهش‌های همتی‌پور و همکاران (Hematipour et al., 2022)، محمدی و همکاران (Muhammadi et al., 2020)، کانگ (Kong, 2018) ضامن و همکاران (Zaman et al., 2016)، باتول و راز (Batool & Raiz, 2020) نیز می‌باشد. پژوهش حاضر به نوعی هر دو روایت را در نظر داشته است و برای رسیدن به فهم دقیق‌تر آموزش مجازی و ابعاد

و مفاهیم پیوسته با آن به واکاوی تجربه زیسته مادران دانش‌آموزان پرداخته‌است. از آن جهت که مادران بیش‌ترین درگیری و مشارکت را در امر آموزش کودکان دارند واکاوی تجربه‌زیسته آنان می‌تواند ابعاد دقیق‌تری از آموزش مجازی، خصوصاً در کودکان، را بازنمایی کند. با توجه به مضامین استخراج شده از پژوهش می‌توان چنین اذعان نمود که در تجربه زیسته مادران، آموزش مجازی در کنار داشتن جنبه‌های آسیب‌زای اجتماعی و فرهنگی دارای جنبه‌های مثبتی نیز بوده است و مادران نگاه جامعی به موضوع داشتند و انتقاداتی نیز به ناکارآمدی این نوع از آموزش داشتند. با مجازی شدن آموزش مدت زمان حضور کودکان در فضای مجازی و تقاضای آنان برای حضور افزایش یافته و این از نظر مادران آسیب‌هایی برای دانش‌آموزان به همراه دارد و مدیریت حضور دانش‌آموزان را در فضای مجازی سخت‌تر می‌نماید؛ زیرا فرزندان به بهانه کلاس‌های مجازی حضور بیش‌تری در فضای مجازی را نیز تجربه می‌کنند. مدت زمان عضویت در شبکه‌ها و مدت زمان استفاده از شبکه‌های مجازی بر گرایش کاربران به شبکه‌های مجازی مؤثر است و هر چه مدت زمان، میزان استفاده و میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، افزایش یابد احتمال اثرپذیری کاربران بیش‌تر است. علاوه بر این، میزان و مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعاملات اعضای خانواده نیز تأثیرگذار خواهد بود بدین ترتیب که هر چه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش‌تر است، هم چنین استفاده از این شبکه‌ها، می‌تواند موجب کاهش ارتباط رودررو و فیزیکی افراد خانواده شود و پیوندهای اجتماعی افراد ضعیف می‌شود که از آسیب‌های جدی در حوزه آموزش مجازی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، آموزش مجازی، مزایایی نیز به همراه داشته‌است. اینترنت، منابع اجتماعی دانش‌آموزان را در برخی جنبه‌ها بهبود می‌بخشد و حمایت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد علاوه بر این شایستگی و عزت نفس را ارتقاء می‌بخشد. فعالیت‌های آنلاین در ایام تعطیلات نیز میسر است و با ارائه آموزش مجازی به گونه‌ای اثربخش به دانش‌آموزان، فرصت بروز خلاقیت و ایده‌پردازی را می‌دهد. هم‌چنین دریافت آموزش‌های مجازی و برخط در منازل توسط دانش‌آموزان، زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی فراگیرتری بین آنها و والدین گردیده و نظارت بیش‌تر والدین بر تکالیف و فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان را موجب شده است. بر اساس تجارب زیسته مادران، در بعد اقتصادی نیز کاهش هزینه‌های اینترنت و دیتا، هم‌چنین صرفه‌جویی در زمان‌های اینترنت و دیتا دانش‌آموزان

و حتی والدین آنها شده است. آموزش برخط به درگیر نمودن والدین دانش آموزان جهت مساعدت و همیاری فرزندان شان، زمینه ساز ارتقاء سواد رسانه ای آنان شده است.

در این پژوهش همانند پژوهش های صورت گرفته داخلی و خارجی نیز فرصت ها و تهدیدهای آموزش مجازی توامان مورد توجه قرار گرفته است و لزوم توجه به کیفیت آموزش غیرحضوری برای آماده کردن زیرساخت های لازم برای اثربخشی بیش تر آموزش های غیرحضوری در جامعه امروزی لازم و ضروری است. کرونا و قرنطینه شدن در پی آن، فرصت بازاندیشی ارکان و جلوه های زندگی را برای همه اقشار جامعه و سازمان های مختلف فراهم کرده است. بی گمان به دنبال هر تغییر و نوآوری، فرصت هایی نیز فراهم می شود. شیوع کرونا نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ چرا که زمینه تغییر را فراهم کرده، سبب برنامه ریزی راهبردی توسط سیاست گذاران نظام آموزشی شده و موجب شده تا آنان به آموزش مجازی و برخط توجه داشته باشند فرصت آموزش برابر و خلق نوآوری آموزشی جدید را فراهم کرده و هم چنین فرصت هایی را برای معلمان، دانش آموزان و خانواده ها فراهم کرده است. بنابراین پیشنهاد می گردد که سیاست مداران و برنامه ریزان آموزش و پرورش بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، چالش ها را در نظر داشته و در جهت استفاده از فرصت های ایجاد شده، تلاش کنند تا در صورت مواجهه با بحران این چینی در آینده، نظام آموزشی کشور دچار ازهم پاشیدگی و اختلال نشود.

در آخر با توجه به لزوم برنامه ریزی در حوزه خانواده و اجتماع، پیشنهادات این پژوهش ارائه می شود:

۱- برنامه سازی در حوزه فضای مجازی: آموزش سواد رسانه ای؛ آموزش سواد فضای مجازی؛ به نمایش گذاشتن موارد استفاده نادرست از فضای مجازی؛

۲- آموزش و اطلاع رسانی (لازم است اطلاع رسانی درباره عوارض اعتیاد به اینترنت / کامپیوتر، از سوی نهادهایی مانند سازمان آموزش و پرورش، صدا و سیما، خانواده و مراکز ارائه کننده مراقبت های بهداشتی به دانش آموزان ارائه شود).

۳- نظارت بر استفاده از اینترنت و فضای سایبری: راهبرد نظارت بر میزان استفاده و نیز کیفیت استفاده از اینترنت توسط نوجوانان از سوی والدین، یکی از روش های سودمند به ویژه درباره کاربرانی است که به تازگی به استفاده از تکنولوژی هایی مانند اینترنت گرایش پیدا کرده اند.

۴- آگاه سازی فردی: آموزش مهارت های فردی به دانش آموزان؛ روابط با جنس مخالف؛ برنامه سازی در زمینه اخلاق مداری، اعتماد اجتماعی؛ برجسته سازی تلاش های موفق و الگوسازی از افراد و گروه ها و باور پذیر کردن دست یابی به اهداف فردی با رعایت مصالح جمعی.

References

- Ahmadi, Amine. (2014) The relationship between virtual education and students' creativity in the third millennium. Family and Research. Volume 12, No. 29 (in Persian).
- Azizi, Zainab; Hosseinnejad Mammaraabadi, Hossein; (2021). Opportunities and threats of virtual education during the corona pandemic: a phenomenological study. Technology quarterly. Information and communication in educational sciences, No.2, 151-171(in Persian).
- Batool, T., & Raiz, J. (2020). Exploring Parents Involvement in University Students Education . Journal of Business and Social Review in Emerging Economies, 6(1),187-196.
- Bond, T. and Aslonen, S. (1998): new mothers_ experience of postpartum care – a phenomenological follow-up study, journal of clinical nursing; 7: 165-174.
- Bornert-Ringleb, M., Casale, G., and Hillenbrand, C. (2021). What predicts teachers' use of digital learning in Germany? Examining the obstacles and conditions of digital learning in special education. European Journal of Special Needs Education, 1-18.
- Chenari, Mahin (2007). "Comparison of Husserl, Heidegger and Gadamer with methodological benchmark". Philosophical-Theological Research: Vol: 9,
- Gharibi, Farzaneh; Natghi, Faezeh, Mousavipour, Saeed; Seifi, Mohammad. (2022). The effect of virtual reality on learning, memory and cognitive load. Journal of Information Technology and Communication in Educational Sciences, 12(4) 25-39(in Persian).
- Haji, J. , Mohammadi Mehr, M. & Mohammad Azar, H. (2021) Representation of Cyber Education Problems Using a Happy Program in Corona Pandemic: A Phenomenological Study, Information and Communication Technology in Educational Sciences, Year 11, Issue 3 , 153-174 (in Persian).
- Hajizadeh, Anwar; Azizi, capable; Kayhan, Javad; (2021)Analysis of the opportunities and challenges of virtual education in the era of Corona: the development of virtual education after Corona. Teaching Research Quarterly, Year 9, No.1, 174-204(in Persian).
- Hematipour, M. Albinin; Ismaili Gujar, Saleh; Moradi, Habiba. (2022) Identifying the role of parents in virtual education: elementary level. Information and Communication Technology Quarterly in Educational Sciences, No 4, (in Persian).
- Kikhaei, Elham.(2012)Sociological analysis of social-cultural challenges of virtual social networks on young users in the city of Isfahan, Master's thesis of the field of sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan (in Persian).
- Kol Mirpour, Nadia; Ghasemi, Ali; Kol Mirpour, Mustafa; Kol Mirpour, Morteza. (2019) Investigating the impact of virtual education on the mental health of students. Psychology and Educational Sciences Studies, No. 56. (in Persian).

- Kong , S. C. (2018). Parents' perceptions of e-learning in school education : Implications for the partnership between schools and parents. *Technology Pedagogy and Education*, 27(1),15-31.
- Maggio, L. A. Daley, B. J. Pratt, D. D. & Torre, D. M. (2018). Honoring Thyself in the Transition to Online Teaching. *Academic Medicine*, 93 (8), 1129-1134.
- Mayadas, A. F. Bourne, J. & Bacsich, P. (2009). Online education today. *Science*, 323 (5910), 85-89.
- McQuail, D. J. G. Blumler J. R. and Brown (1972). *The Television Audience: A Revised Perspective*, Available at www.google.com.
- Mojdam, Mohammad and Moradi, Mohsen.(2018) Digital natives and leading challenges. *Development of educational technology*, volume 35, no 5 (in Persian).
- Muhammadi, M., Keshavarzi, F., Naseri Jahromi, R., Hesampour, Z., Mirghafari, F. & Ebrahimi, Sh., (2020) Analysis of parents' experiences of elementary school students from the challenges of virtual education with social networks in Time of outbreak of coronavirus, *Educational Research*, No. 40,74-101 (InPersian)
- Paudel, P. (2021). Online education: Benefits, challenges and strategies during and after COVID-19 in higher education. *International Journal on Studies in Education (IJonSE)*, 3(2), 70-85.
- Rouadi, Naim(EL).FaysalAnouti, Mohammad.(2020). The Online learning Experiment in the Intermediate and Secondary Schools in Lebanon during the Coronavirus(COVID-19)Crisis. *International Journal of Advanced Research in Science, Engineering and Technology*.
- Salimi, S & Fardin, MA. (2020). The Role of Corona Virus in Virtual Education with Emphasis on Opportunities and Challenges, *Quarterly Journal of School and Virtual Learning*, 8(2), 49-60 (in Persian).
- Sandelowski, M. (1986). The problem of Rigor in Qualitative Research. *Advances in Nursing Science*, 8(3): 27-3.
- Wellman. B and Frank, K. (2001); "Network capital in a multi-level world: getting Support from Personal Communities", Draft of article forthcoming in: *Social Capital: Theory and Research*, edited by Nan Lin, Ron Burt and Karen Cook. Chicago: Aldine De Gruyter.
- Zaman, B., Nouwen, M., Vanattenhoven, J., De Ferrerre, E., & Looy, J. V(2016) A qualitative inquiry into the contextualized parental mediation practices of young children's digital media use at home. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 60(1), 1-22.